

دریافت نداشته‌اید و از ما خواسته شده تا با شما تماس بگیریم و اگر اجازه فرمایید موجودی شما را به موريس انتقال دهيم. لطفاً دستورات لازم را ارائه دهید.

بانک لویدز

[۱ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۰۷

تلگراف

از تهران

ایزدی، ملتزم رکاب اعلیحضرت رضا پهلوی - موريس

تلگراف والاحضرت شاهدخت شمس واصل گردید اما نامه‌ای از معظم‌لها [معظم‌له به] ما نرسیده است. حال مزاجی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و علیاحضرت ملکه در منتهای سلامت است. اگر تا به حال ۳۴۸۰۰ لیره انگلیسی را که از بانک لویدز دهلی حواله شده دریافت نداشته‌اید از بانک تجارتي موريس مطالبه نمایید.

[محمد علی] فرزین وزیر دربار

[۲ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۰۸

تلگراف

۱۴ نوامبر ۱۹۴۱ | ۲۳ آبان ۱۳۲۰

شاهزاده شمس پهلوی - موريس

ده هزار لیره انگلیسی ارسال شده است. سه هزار لیره برای شما و شاهپور و هفت هزار لیره به اعلیحضرت اختصاص دارد. همسرم و من برای همگی شما سلامت کامل آرزو مندیم و منتظر خبرهای شما هستیم. رسید وجه را ارسال دارید.

محمد رضا [پهلوی]

[۳ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۰۹

دربار شاهنشاهی
اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

قسمت

شماره ۲۳۹۵

تاریخ ۲۰/۹/۱۷ | ۸ دسامبر ۱۹۴۱

از بابت هزینه انتقال ۹۵۰۰ لیره انگلیسی به جزیره موریس اجازه داده می‌شود مبلغ دو هزار و پانصد و شصت ریال و هشتاد دینار (۲۵۶۰/۸۰ ریال) در وجه بانک ملی ایران پرداخت نماید.

وزیر دربار شاهنشاهی

[امضا] محمدعلی فرزین

[۴۷ - ۹۹۶ - ۵]

۱۱۰

جناب فرزین، وزیر دربار - تهران

از ۳۴۸۰۰ لیره ۹۵۰۰ لیره که به بانک لندن حواله شده تا به حال منتقل نشده است. اعلیحضرت [و] والا حضرتها در کمال سلامت هستند.

[علی] ایزدی

[۲ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۱۱

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

تهران

تلگرافی راجع به استعلام از علت تغییر عزیمت ما از امریکا به جزیره موریس در بمبئی به آن اعلیحضرت مخابره شده بود که تا به حال پاسخ آن نرسیده است. مستدعی است پاسخ تلگراف را مرحمت فرمایند تا از قید انتظار خارج شویم. همگی سلامت هستیم.

علیرضا پهلوی

[۲ - ۳۲۲۹ - ۱۱۲ - الف]

۱۱۲

جناب فرماندار^۱

در تعقیب مذاکراتی که تا به حال به عمل آمده است توجه جناب عالی را به این موضوع جلب می‌نمایم که بدی و ناسازگاری آب و هوای اینجا موجب شده است که همیشه من و تمام افراد فامیلم بیمار بوده و ضعف مزاج روز به روز رو به تزاید است. با اینکه مکرر وعده داده شده است که به زودی نسبت به تغییر وضعیت اقدام به عمل آید مع هذا تا به حال پاسخ مناسبی دیده [داده] نشده است.

صرف نظر از گرمای روزافزون، عدم وسایل زندگانی نیز بیشتر مؤید این ناراحتی و سختی شده و طوری ما را توأمآ تهدید می‌نماید که تشریح آن غیر ممکن است. - این نکته را نیز متذکر می‌شود خروج ما از ایران و تفصیل آمدن به موریس به قدری جنبه افسانه‌ای دارد که من نمی‌خواهم در این موضوع اساساً وارد شده و از عللی که موجب این پیشامد شده استعلام نموده و اطلاع حاصل نمایم -^۲ و با این ترتیب سکوت جناب عالی، که نماینده رسمی دولت متبوع خود هستید، در مقابل تقاضای مشروع من بسیار ناگوار می‌باشد.

علت اصلی خروج من از ایران - و صرف نظر کردن از تمام کیفیات زندگانی این بود که وسایل آسایش فرزندانم، چه آنهایی که در تهران هستند و چه آنهایی که همراه من می‌باشند، از هر جهت تأمین گردد و بعد از خارج شدن هم محیط ساکت و آرامی را برای زندگانی انتخاب نموده و از هر حادثه و سر و صدایی دور باشم - برای احتراز از خسارت و جلوگیری از خرابی بوده است. این رویه به نفع دولت انگلستان تمام شده است و با اینکه سوء غرضی نسبت به بریتانیا ابراز نداشته‌ایم و با اطمینان کامل و اخذ پاسپورت تصمیم به رفتن به امریکا داشتیم ولی حال نتیجه آن طوری معکوس شده که غیرقابل تصور می‌باشد و روی هم رفته وضعیت ما به صورت بدترین عذابی درآمده که ممکن است برای یک خانواده پیش بیاید.

در خاتمه توجه جناب عالی را به این وضعیت ناگوار خود، به طوری که در بالا گفته شد، جلب نموده و توقع دارم ترتیبی فراهم آید که به این طرز زندگانی غیرقابل تحمل ما خاتمه داده شود. در انتظار رسیدن جواب قطعی، احترامات فائقه اظهار می‌شود.

[رضا پهلوی]

[۶-۳۲۷-۱۱۲ الف]

۱. سر بد کلیفورده، فرماندار جزیره موریس.

* عبارتهای داخل خط تیره، در اصل سند، خط خورده است.

۱۱۳

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی |محمدرضا پهلوی|

چندی قبل در موریس مسافرت ما به کانادا به طوری شهرت یافته بود که حتی هر بچه کوچکی از آن صحبت می‌کرد ولی از آن تاریخ قریب چهل روز می‌گذرد نه تنها اثری ظاهر نشده بلکه با مراجعات مکرری که از طرف ما به عمل آمده به عنوان نبودن کشتی موضوع معوق مانده است. اساساً قصد ما از تغییر محل به علت بدی آب و هوا و ناخوشی دائمی ما همگی می‌باشد، و الاً با خرابی وضع دریاها ما شیفته رفتن به کانادا نیستیم و هر نقطه دیگری را که از آن بویی از تمدن استشمام شود و هوای آنجا با مزاج ما مناسب باشد و بشود اقللاً از منزل خارج شد بر اینجا ترجیح می‌دهیم.

[رضا پهلوی]

[۱۵ - ۳۲۷ - ۱۱۲ - الف]

۱۱۴

موکا، ۱۹ ژانویه ۱۹۴۲ [۱۳۲۰/۱۰/۲۹]

عالیجناب، [سرید کلیفورد، فرماندار جزیره موریس]

در پی گفت و گوهایی که با جناب عالی داشتم، توجه شما را به این امر معطوف می‌دارم که نظر به آب و هوای کسالت‌آور جزیره وضع مزاجی تمامی اعضای خانواده و خود من به هیچ وجه خوب نیست. علی‌رغم وعده‌هایی که به من دادید، پاسخی مساعد و چندان مورد انتظار از شما واصل نشد.

جناب عالی به خوبی شاهد هستید که در این اوضاع و شرایط، سکوت دولت بریتانیا در پاسخ به خواسته‌های مشروع چقدر می‌تواند بر من سخت و دشوار باشد. وقتی ایران راترک می‌کردم از همه چیز خود گذشتم تا برای فرزندانم چه آنها که در تهران هستند و چه آنهایی که مرا همراهی می‌کنند آتیه‌ای خوب و زندگی به دور از تشویش و دغدغه فراهم آورم. خود من هم در نظر داشتم که به دور از سختی ایام زمانه، مأمنی راحت و آسوده بیابم. جناب عالی بهتر از هر کس دیگری می‌توانید قضاوت کنید که آیا این خواسته‌ها برآورده شده است یا خیر.

به جناب عالی صراحتاً می‌گویم که وضعیت فعلی ما سخت‌ترین و ناگوارترین

شرایطی است که می‌تواند بر یک خانواده حادث شود. معتقدم که دولت پادشاهی
بریتانیا برای خاتمه دادن به این وضع، سرانجام تصمیمی اتخاذ نماید.
ضمن ابراز احترامات فائقه، منتظر دریافت تصمیمی در مورد اینجانب هستم.

رضاپهلوی

[۶ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف]

۱۱۵

فرزند ارجمند عزیزم [محمد رضا پهلوی] را قربان می‌روم

موضوع ثانوی دیگری را که محتاج به ذکر می‌دانم این است که مدت [مدتی است]
که وجه برای من فرستاده نشده است. من موقعی که از ایران خارج می‌شدم حساب
جاری خودم را که بالغ بر هشتاد و پنج میلیون ریال بود به وسیله جم فرستادم که در موقع
لزوم به ارز برای من حواله شود. بعد از مدتی کاغذی از او رسید که به علت رفتن
مأموریت وجه را به شما تحویل نموده است و تاکنون نسبت به اصل موضوع یعنی تبدیل
آن به ارز اثری دیده نشده است. به هر حال، برای این که به انتظار رسیدن وجه نباشیم
[لازم است] وجه قابلی در خارج از کشور موجود باشد. مناسب است ترتیبی بدهند که
تمام آن وجه پس از تسعیر به اسم من حواله شود.

ارضاپهلوی

[۱۲ - ۳۲۱۶ - ۱۱۲ الف]

۱۱۶

فرمانداری جزیره موریس

۲۱ ژانویه ۱۹۴۲ | ۱ بهمن ۱۳۲۰

اعلیحضرت، ارضاپهلوی

افتخار دریافت نامه مورخ ۱۹ ژانویه شما را داشتم و می‌توانم به اعلیحضرت اطمینان
دهم که اوامرشان را به اطلاع دولت انگلیس رسانده‌ام. از پاسخهایی که دریافت نموده‌ام
بسیار خوشوقتم که می‌بینم دولت انگلیس این مسئله را مورد دقت دائم و توجه خاص
خود قرار داده است و به محض اینکه انجام این امر برایشان مقدور باشد، از طریق

تلگراف مرا در جریان هرگونه ترتیباتی که بتوانند در جهت برآوردن خواسته‌های اعلیحضرت صورت دهند قرار خواهند داد.

بدون تردید، اعلیحضرت تصدیق خواهند کرد که صرف‌نظر از مشکلات سیاسی غیرقابل احترازی که مسافرتشان به یک مملکت مستقل یا نیمه‌مستقل در بردارد مسائل بیشمار دیگری، مانند تهیه کردن کشتی مناسب، وجود دارد که باید ترتیبات آنها را فراهم نمود. اعلیحضرت به طور حتم در مطبوعات مشاهده فرموده‌اند که برای به کارگیری کشتیها در امورات نظامی، مردم انگلیس مجبورند به محدودیتها و تنگناهای بیشتری در استفاده از امکانات کشتیرانی تن در دهند. با وجودی که اطمینان دارم دولت انگلیس در نظر دارد تقاضاهای اعلیحضرت را برآورد، تمایل آنها تا حدود بسیاری تحت تأثیر ضروریات نظامی فعلی قرار دارد، و اعلیحضرت می‌دانند موقعیت نظامی در وضعیت حاضر بسیار خطیر است. صرف‌نظر از این مسائل، اصولاً موقعیت طوری است که دولتها در اخذ تصمیم کند هستند و در این باب مطمئن هستم که ممالکی وجود دارند که از دولت انگلیس هم در اتخاذ تصمیم بطنی‌تر هستند.

از اینکه اعلیحضرت از گرمای اینجا صدمه می‌خورند بی‌نهایت متأسفم و تنها امید من این است که شروع بارانها تحمل این گرما را فعلاً برای اعلیحضرت آسان‌تر خواهند نمود.

امیدوارم که به زودی بتوانم اطلاعات جامع‌تر و مشروح‌تری به اعلیحضرت بدهم. با عمیق‌ترین احترامات، افتخار دارم خدمتگزار مطیع اعلیحضرت باشم.

امضا | بد کلیفورد

| ۷-۳۲۷-۱۱۲ الف |

۱۱۷

عالیجناب،

با وجود مذاکراتی که سعادت داشتم با عالیجناب به عمل آورم و به رغم درخواستهای مکرری که از طریق آقایان اسکریبن^۱ و پیک وود^۲ عنوان گردیده است، با تأسف در می‌یابم که به نظر نمی‌رسد دولت پادشاهی قصد داشته باشد پاسخی به این

و عده‌ها ارائه دهد.

باتوجه به ضعف مزاجی فرزندان و خودم بار دیگر توجه عالیجناب را به اوضاع سخت خود جلب می‌کنم.

با احترامات فائقه، رضاپهلوی

[۱۶ - ۳۲۴۲ - ۱۱۲ - الف]

۱۱۸

سی‌ام ژانویه ۱۹۴۲ [۱۰ بهمن ۱۳۲۰]

اعلیحضرتا، [رضا پهلوی]

آیا می‌توانم از حضور اعلیحضرت اجازه بخواهم که موذّب‌ترین [موذّبانه‌ترین] و صمیمی‌ترین [صمیمانه‌ترین] تبریکات خود را به مناسبت امضای پیمان دوستی^۱ بین کشورهایمان از شرف عرض بگذرانم.

من یقین دارم در این واقعه بزرگ به شروع یک دوره طولانی همکاری دوستانه سیاسی و تجارتي بین دولت امپراطوری انگلیس و متحدین ایرانی - ترک - مصری و عراقی او خواهد بود.

بزرگترین آرزوی قلبیمان این است که اعلیحضرت که اینقدر در راه عظمت ایران زحمت کشیده‌اند بتوانند سالیان دراز شاهد ترقی و عظمت میهن بسیار عزیزشان در تحت پیشوایی اعلیحضرت پسرشان باشند.

با کمال احترام افتخار دارم خدمتگزار مطیع اعلیحضرت باشم.

بد کلیفوردد

[۸ - ۳۲۷ - ۱۱۲ - الف]

۱۱۹

موکا، ۱ فوریه ۱۹۴۲ [۱۲ بهمن ۱۳۲۰]

جناب فرماندار،

نامه جناب عالی که مبنی بر ابراز خوشوقتی از انعقاد پیمان بین ایران و انگلیس بود واصل شد. کمال شرف را دارم از این که مشاهده می‌کنم جناب عالی به استحکام روابط

۱. پیمان اتحاد بین سه کشور ایران، شوروی و انگلستان در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۲۰ صورت پذیرفت.

بین دولتین ایران و انگلیس علاقه دارید و این موجب نهایت خوشوقتی من است. از موقع پیشامد جنگ اروپا تا قبل از پیشامدهای اخیر هر زمان از طرف مأمورین انگلیس از وضعیت ایران اظهار نگرانی می‌شد به دستور من دولتهای وقت، حاضر بودن خود را برای عقد پیمان به مأمورین انگلیس تذکر می‌دادند ولی توجهی نمی‌شد. حال که پیمان به این صورت لباس عمل پوشیده است امیدوارم مؤید خدمات فرزند عزیزم اعلیحضرت محمدرضا شاه به کشور ایران [باشد] و از نتایج آن او و ملت ایران بهره‌مند گردیده، در خاتمه آرزومندم این دوستی دیرزمانی پایدار بماند و ما هم ناظر ثمر و نتیجه آن باشیم.

رضا پهلوی

[۹-۳۲۷-۱۱۲ الف]

۱۲۰

۲ فوریه ۱۹۴۲ [۱۳ بهمن ۱۳۲۰]

اعلیحضرت،

امروز صبح کاپیتن پیکود [پیکوت یا پیک وود] به بنده اطلاع داد بعد از این که استحضار حاصل فرموده‌اند که تصمیماتی برای تشریف‌فرمایی اعلیحضرت از موریس گرفته شده و منحصر به مذاکرات نبوده است اسباب تسلی و آسایش خاطرشان فراهم شده است، در تعقیب تقاضای آن اعلیحضرت و پس از مذاکره با دولت کانادا طبق اطلاعی که چند هفته قبل به دست آمده تشریف‌فرمایی اعلیحضرت موجب منتهای خوشوقتی دولت کانادا خواهد بود.

در آخرین دفعه‌ای که افتخار ملاقات دست داد فوق‌العاده مایل بودم که بتوانم اطلاع قطعی راجع به مسافرت در اینجا عرض نمایم ولی به طوری که کاپیتن پیکود بی‌تردید عرض کرده‌است پیشامد اشکال در وسایط نقلیه مانع انجام آرزو گردید. دولت شاهنشاهی فعلاً در نظر دارد وسایل و ترتیبات دیگری فراهم نماید که تصور می‌رود در ظرف چند روز دیگر جواب و اطلاع قطعی در این خصوص واصل گردد.

همچنین، طبق اطلاع واصله، لازم خواهد بود برای حمل و نقل لوازم مسافرت اعلیحضرت چند روزی در افریقای جنوبی مسافرت را به تعویق انداخته و تشریف داشته باشند و در آنجا البته پذیرایی در روی کشتی دیگری انجام خواهد گرفت. دولت

شاهنشاهی ضمن این که موافقت نموده است که تمام هزینه مسافرت از اینجا تا کانادا را پردازد پیش‌بینی نموده است که هزینه چند روز توقف در افریقای جنوبی و همچنین کانادا از طرف اعلیحضرت پرداخته خواهد شد. بی‌اندازه موجب امتنان خواهد شد اگر معلوم فرمایند که نظریات بالا مورد تصدیق و قبول واقع می‌شود.

از قراری که والا حضرت شاهدخت شمس اطلاع داده‌اند مایلند که با شوهرشان به ایران مراجعت نمایند و با قولی که به شاهدخت داده بودم که به مقامات مربوطه تلگراف نمایم مطابق پاسخی که رسیده خوشوقت خواهند شد که آمال ایشان را عملی نمایند. و برای تأمین مسافرت مستقیم از اینجا به ایران اقدامات لازم به عمل آمده به این ترتیب که حرکت شاهدخت و شوهرشان یا قبل و یا بعد از تشریف‌فرمایی اعلیحضرت به افریقای جنوبی خواهد بود.

به طوری که کاپیتن پیکود اطلاع داده است، با موافقت اعلیحضرت، آقای ایزدی و خانم مشار نیز مایلند که به ایران مراجعت نمایند.

چون ممکن است که اعلیحضرت نیز مایل باشند چند نفر از مستخدمین نیز مراجعت نمایند مستدعی است نظر اعلیحضرت را در این موضوع معلوم فرمایند. بااحترام زیاد مفتخرم که خدمتگزار آن اعلیحضرت باشم.

بدکلیفورد

۱۰۱ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف |

۱۲۱

موکا، ۵ فوریه ۱۹۴۲ | ۱۶ بهمن ۱۳۲۰

در پاسخ به مراسله مورخه ۲ فوریه مبنی بر موافقت حرکت من به افریقای جنوبی و بعد به کانادا و ترتیب هزینه که مدت توقف در آفریقا و در کانادا به عهده من خواهد بود و در ضمن از قبول نظریات بالا استعلام نموده‌اند، پس از تشکر از احترامات و زحماتی که [برای] حرکت من دولت امپراطوری و جناب عالی کشیده‌اید، ترتیباتی که برای هزینه داده شده البته مورد قبول است زیرا در محلی که زندگانی اختیاری داشته باشیم طبیعی است که مخارج نیز به عهده خودمان باشد.

و بعد کمال تشکر را دارم از اینکه اقدامات جناب عالی اسباب مراجعت شاهدخت شمس شده و مخصوصاً اطلاعاتی که کاپیتن پیکود دیروز راجع به مراجعت خانم من و شاهدخت فاطمه و شاهپور حمیدرضا را داده‌اند بسیار ممنون متشکرم؛ از این که ترتیب مسافرت به ایران مستقیماً داده شده است بیشتر باعث اطمینان خیال من شده است.

راجع [به] ملتزمین، مراجعت ایزدی موکول به اجازه - در تعیین عرض درخواست -
 اعلیحضرت پادشاه ایران خواهد بود، و بعد راجع به سایرین خانم مشار، دام دنور
 اندیمه | شاهدخت شمس و ملوک و مهستی رفتنی خواهند بود، اما راجع به نوکرها چون
 از تهران عوض خواسته شده تا آفریقا همراه خواهند بود.

[۱۱ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف]

۱۲۲

وزارت دارایی

دائرة غیربازرگانی - کمیسیون ارز

تاریخ ۱۸ ماه ... ۱۳۲۰

فوری مستقیم

بانک شاهنشاهی ایران

به موجب نامه شماره ۳۶۲۷ مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۲۰ اداره حسابداری دربار
 شاهنشاهی، موافقت می‌شود مبلغ دوازده هزار لیره - ۱۲۰۰۰ لیره - به نرخ ۱۴۲ ریال
 برای اعلیحضرت پادشاه سابق به سمت موریس حواله نماید.

کمیسیون ارز

رونوشت پاسخ مرقومه شماره ۳۶۲۷ مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۲۰ برای استحضار اداره
 حسابداری دربار شاهنشاهی ارسال می‌شود.

رئیس کمیسیون ارز

دکتر نخعی

[۴۶ - ۹۹۶ - د]

۱۲۳

بانک شاهنشاهی ایران

شماره ۱۰۲۳۷

تهران | ۷ فوریه ۱۹۴۲ | ۱۸ بهمن ۱۳۲۰

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

با عطف به مرقومه ۱۸ جاری شماره ۳۶۲۷ به عنوان کمیسیون ارز محترماً اشعار
 می‌دارد که طبق دستوری که در تاریخ امروز طی نامه شماره ۳۹۸۵۱/۳۶۹۵۵ از

کمیسیون نامبرده به بانک رسیده مبلغ -/۱۲۰۰۰ لیره از طرف این بانک تلگرافاً به لندن ارسال شد که به شرح زیر به سنت موریس^۱ انتقال دهند:

برای پرداخت به اعلیحضرت رضاشاه پهلوی پادشاه سابق ۱۰۰۰۰ لیره، برای پرداخت به والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی ۲۰۰۰ لیره. بهای مبلغ -/۱۲۰۰۰ لیره مزبور که از قرار هر لیره ۱۴۲ ریال بالغ به مبلغ -/۱۷۰۴۰۰۰ ریال می شود به وسیله چک عهده بانک ملی ایران به این بانک پرداخت گردید. بهای تلگرافات نیز بعداً تعیین و به استحضار آن اداره محترم خواهد رسید. با تقدیم احترامات.

برای بانک شاهنشاهی ایران

رئیس کل

[۴۵ - ۹۹۶ - ۵]

۱۲۴

۱۷ فوریه [۱۹۴۲] | ۲۸ بهمن ۱۳۲۰

اعلیحضرت، [رضا پهلوی]

من راجع به حرکت اعلیحضرت با دولت انگلیس دائماً ارتباط تلگرافی داشته‌ام علی‌الخصوص راجع به تهیه کشتی. نهایت تأسف را دارم از اینکه هنوز نمی‌توانم به اعلیحضرت اطلاع دقیقی بدهم، اما اعلیحضرت می‌توانند مطمئن باشند که در این امر منتهای سعی به عمل می‌آید.

آیا اجازه دارم تشکرات قلبی خود را از الطاف مبارک در ارسال دو جعبه ویسکی به عرض برسانم، خصوصاً که در جزیره کمیاب و در این موقع تحفه ذیقیمتی است. بانهایت احترام خدمتگزار اعلیحضرت هستم.

بد کلیفورد

[۱۲ - ۳۲۷ - ۱۱۲ الف]

۱. سنت موریس شهری است در سوئیس. چون این سند عطف به سند شماره ۱۲۲ می‌باشد عبارت «به سمت موریس» سهواً «به سنت موریس» خوانده شده است.

۱۲۵

فریدون [جم] عزیزم، نامه شما که حاکی از احساسات پاک و بی‌آلایش آن عزیز بود رسید و اسباب خوشحالی کامل من را فراهم آورد. من غیر از این هم انتظاری نداشته و به علاقه و صمیمیت شما نسبت به خود اطمینان دارم. اینکه نوشته‌اید مردم دست حسرت و ندامت به دندان گزیده و به ایام گذشته تأسف می‌خورند باید دانست که این وضعیت معلول سوء اخلاق افراد بوده که آن نیز ناشی از جهل و نادانی می‌باشد و چون جهل با غفلت که جلی ایرانی است^۱ همواره هماغوش و توأم است ناچار چنین ملتی باید موقعیتهای مناسب را از دست داده و بعد با پشیمانی و تأسف که آن نیز سودی ندارد دست به گریبان باشد. اما من خدای را شاکرم که وظیفه و تکلیف خود را تا آنجا که از قوه یک نفر ساخته بوده نسبت به کشور و ملت انجام داده و برای حفظ کشور و احتراز از ناگواریهای سخت‌تری که ممکن بود ملت دچار شود از همه چیز صرف‌نظر کردم و حال هم با نگاه تأثرآمیز از دور شاهد جزئیات بوده و تنها آرزویم این است که دیگر بار کشتی استقلال کشور از خلال تندباد حوادث تحت لوای فرزند عزیزم اعلیحضرت به ساحل نجات رسیده و آلام روحی من تسکین یابد. سعادت شما را همواره خواهان و شما را به خدا می‌سپارم.

[رضا پهلوی]

[۳۸۰۵۹]

۱۲۶

شاه سابق ایران به کانادا خواهند رفت

لندن پنجم مارس - در اتاوا مطلع شده‌اند که دولت کانادا به شاه سابق ایران رضا پهلوی و فامیلشان اجازه داده است که به کانادا بیایند و شاه سابق در تابستان گذشته بر اثر عملیات روس و انگلیس بر علیه ایران، ایران را ترک گفته‌اند. از آن تاریخ حرکت شاه ایران محرمانه بوده است. شاه سابق می‌توانستند چند کشور را برای اقامت خود انتخاب

۱. رضا پهلوی پا را از «لرد پارمور» انگلیسی - سند شماره ۲۷ - فراتر گذارده و جهل و نادانی را صفت ذاتی ایرانیان قلمداد می‌کند.

نمایند و بر حسب اطلاعاتی که به دست آمده اجازه خواسته‌اند که در کانادا که آب و هوای آنجا تقریباً شبیه نقاط مرتفع ایران است زندگانی نمایند و این تقاضا در چند هفته قبل قبول شده بود اما از انجام آن خبری نبوده و تصور می‌کردند که این تصمیم به عهده تعویق و فراموشی افتاده است تا این که رادیوی آلمان سه‌شنبه اعلام داشت که شاه سابق ایران در کانادا پیاده شده‌اند.

اداره امور خارجه کانادا هنوز خبر رسمی دایر به حرکت به کانادا و در راه بودن شاه سابق دریافت نداشته اما منتظر است که به زودی از جریان حرکت مسبوق گردد.

[۳۷۷۸۸]

۱۲۷

تلگراف

۲۵ ماه مه ۱۹۴۲ | ۴ خرداد ۱۳۲۱

ایزدی، ملتزم رکاب اعلیحضرت همایونی - دوربان

یازده هزار و هشتصد لیره استرلینگ تلگرافی ارسال شده است: ده هزار لیره به اعلیحضرت، هزار لیره به شاهپور علی‌رضا، و هشتصد لیره به طور تساوی به شاهپور غلامرضا و شاهپور عبدالرضا اختصاص یافته است. وصول آن را اعلام فرمایید.

وزیر دربار، [محمد علی] فروغی

[۷ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۲۸

۴ شنبه ۵ شهریور

جناب فروغی - تهران

یازده هزار و هشتصد لیره که برای اعلیحضرت و والاحضرتها حواله شده بود تا به حال منتقل نشده است.

[علی] ایزدی

[۷ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۲۹

اعلیحضرت فاروق^۱

برادر گرامی، نامه آن برادر ارجمند که از ابراز احساسات برادرانه و علاقه قلبی آن اعلیحضرت نسبت به من حکایت می‌کرد به توسط شاهدخت اشرف واصل و بی‌اندازه موجب مسرت و امتنان گردید. مخصوصاً پیامی که به توسط شاهدخت اشرف فرستاده بودید بیشتر به مراتب تشکر افزود و به طوری که پاسخ داده‌ام منتهای سعی را در انجام آن دارم.

در خاتمه، سعادت و سلامت دائم آن اعلیحضرت را از خداوند خواستار و امیدوارم سالهای سال با کمال موفقیت و خوشی روزگار را بگذرانید.

[رضا پهلوی]

[۱ - ۳۲۲۵ - ۱۱۲ - الف]

۱۳۰

تلگراف

به اعلیحضرت همایون شاه - تهران

از بدو ورودمان به دوربان بسیار معذب هستیم. در اینجا منزل راحتی نداریم. نزد مقامات اقداماتی جهت تغییر محل سکونت به عمل آورده‌ایم، ولی متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت نشد [ه]. واسطه شما شاید بتواند شرایط ما را بهبود بخشد.

[۲ - ۳۲۱۵ - ۱۱۲ - الف]

۱۳۱

تلگراف

۲۳ اکتبر ۱۹۴۲ | آبان ۱۳۲۱

آقای علی ایزدی - ژوهانسبورگ

به ده تخمه الماس بزرگ خوب احتیاج دارم که بعضی از آنها باید سفید و برخی پشت گلی - آبی - زرد روشن باشد. به قیمت توجه نداشته باشید. تقویم را به عرض

۱. ملک فاروق؛ پادشاه مصر و برادر فوزیه، همسر محمدرضا پهلوی.

اعلیحضرت برسانید. قیمت را بدون تأخیر تلگراف کنید.
دستهای پدر قابل ستایش را می بوسم.

شمس پهلوی

[۳۷۱۱۵]

۱۳۲

تلگراف

۴ اوت ۱۹۴۳ | ۱۲ مرداد ۱۳۲۲

آقای ایزدی - ژوهانسبورگ

پانزده هزار لیره به وسیله بانک شاهنشاهی به عنوان اعلیحضرت حواله شده است.

احسین | شکوه

[۱۱ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۳۳

تلگراف

۱۲ | آوریل ۱۹۴۴ | ۱۳۲۳/۱/۲۳

آقای ایزدی - ژوهانسبورگ

هفده هزار لیره توسط بانک شاهنشاهی حواله شده: پانزده هزار لیره برای
اعلیحضرت پهلوی، هزار لیره برای والاحضرت علیرضا، پانصد لیره برای والاحضرت
عبدالرضا، پانصد لیره برای والاحضرت غلامرضا.

شکوه

[۱۲ - ۳۲۸ - ۱۱۲ الف]

۱۳۴

از: قصر همایونی، تهران

به: آقای ایزدی، ملتزم رکاب همایونی رضا پهلوی، ژوهانسبورگ

از کمیسیون عالی انگلیس در پرتوریا درخواست شده تا سفارت با جدیت همه گونه

تسهیلات در اختیارتان قرار دهد. با شما تماس می‌گیرد.

شکوه

[تاریخ ورود تلگراف به ژوهانسبورگ: [اول اوت ۱۹۴۴] [۱۰ مرداد ۱۳۲۳]

[۲۳ - ۳۲۱۱ - ۱۱۲ الف]

www.KetabFarsi.com

حبیب ثابت و خرید محل اقامت
رضا پهلوی در موریس

۱۳۵

تاریخ ۵۱/۱/۲۸

به شرف عرض خاک پای مبارک برسد:

در دو سال قبل موقعی که برای شرکت در یک کنفرانس به جزیره موریس رفته بودم شنیدم قصری را که محل اقامت شاهنشاه عظیم‌الشان رضاشاه کبیر بوده به قیمت بسیار ارزان قصد فروش دارند. با علاقه‌ای که به حفظ این محل پیدا نمودم برای اینکه از دست نرود بلافاصله آن را خریداری نمودم تا تقدیم به خاک پای مبارک که حقیقتاً مدیون آن همه بزرگواری و مهربانی و عطوفت هستم بنمایم و مراتب پس از مراجعت معروض گردید. نظر به اینکه از جزیره موریس اطلاع داده‌اند که دولت ایران جداً علاقه‌مند به خرید محل مزبور می‌باشد و تقاضا دارند که معامله را فسخ نمایم. بلافاصله جواب داده شد که جان و مال ما متعلق به شاهنشاه و رهبر عالیقدرمان است. اینک هم بدین وسیله اعلام می‌دارد چنانچه اراده ملوکانه با استفاده دولت از این محل تعلق گرفته باعث افتخار است این هدیه بلاعوض از طرف این چاکر که صمیمانه عاشق آن خاندان است مورد قبول قرار گیرد. امر امر مبارک است.

جان نثار حبیب ثابت^۱

۴۷۱ - ۳۲۲۱ - ۴۵۱۳ - ش |

۱. حبیب ثابت پسر میرزا عبدالله بزاز، معروف به ثابت است. نوه دختری میرزا خلیل کلیمی طبیب که بهایی می‌شود. میرزا خلیل از یهودیهایی است که بهایی می‌شود. چند پسر داشت و یک دختر. پسر بزرگش میرزا رحیم خان ارجمند که مدیرکل پست شد پسر دومش دکتر مسیح ارجمند که طب خواند و بعد موفق نشد و وارد پست شد، شوهر خواهر سرتیپ دکتر عبدالکریم ایادی است. پسر سوم ابراهیم ارجمند بود، او هم در گمرک و پست بود. خواهر اینها زن یک نفر یهودی بود به نام میرزا عبدالله که در دروازه قزوین در ایستگاه واگن دکان بزازی محفوری داشت. حبیب مدرسه ابتدایی دید و بعد شاگرد پدر بود، بعد شوفر شده و در جاده‌های ایران راننده شد. بعد دکان نجاری باز کرد، زنش رشتی است از سادات خمسی گیلان، گویا نوه برادر حاج سید نصرالله رشتی معروف به باقراف. (ر.ک: قاسم غنی. یادداشتهای دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی، تهران، انتشارات زرار، ۱۳۶۷، جلد چهارم، صص ۱۵۷ - ۱۵۸).

۱۳۶

بنیاد پهلوی

تاریخ ۱۳۵۱/۲/۲

شماره ۲۶۵۸/د

پیوست دارد

جناب آقای خلعتبری^۱ وزیر امور خارجه

با ارسال عین نامه آقای حبیب ثابت و دو قطعه عکس ضمیمه آن دائر به اهداء محل اقامت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در جزیره مورس مراتب به شرف عرض مبارک شاهانه رسید. مقرر فرمودند که ترتیب لازم در این خصوص از طرف وزارت امور خارجه داده شود ولی مبلغی را که آقای ثابت برای انجام معامله پرداخته است به ایشان مسترد و مالکیت ساختمان و اراضی مربوطه برای دولت تأمین شود.

نکته قابل توجه این است که هرگاه معامله انجام شده توسط آقای ثابت فسخ شود مالک زمین با توجه به علاقه‌ای که دولت ایران نسبت به خرید این ملک دارد قطعاً قیمت بیشتری تقاضا خواهد کرد و لذا بهتر است که معامله انجام شده به هم نخورد و ترتیب انتقال بر اساس شرائط معامله انجام یافته صورت گیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر از جزئیات امر خواهشمند است دستور فرمائید با آقای ثابت تماس گرفته شود.

نایب التولیه

[۳۶۸۳/۱]

۱۳۷

در سنه ۱۹۷۰ که حبیب ثابت به جزیره مورس مسافرت کرده بود قصری را که اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در آن مدتی سکونت داشتند به مبلغ تقریبی یازده هزار دلار خریداری کرد و پانصد دلار بیعانه داد که به انجام تشریفات لازمه و ثبتی بقیه را پردازد.

به علاوه، در حدود سی هزار متر اراضی اطراف این قصر که قبلاً جزء قصر بوده و

۱. عباسعلی خلعتبری فرزند نصرالله خلعتبری اعتلاءالملک.

باغ آن را تشکیل می‌داده صاحب قصر به یک کارخانه شکر برای زراعت نی شکر فروخته بود ثابت موفق شد که زمین مزبور را که قیمت تقریبی آن هم در حدود یازده هزار دلار [بود] خریداری [کند] و پانصد دلار دیگر به این کارخانه شکر پرداخته که با انجام تشریفات لازمه و ثبتی بقیه را پردازد و منظورش تقدیم هر دو قطعه به شاهنشاه آریامهر بود.

پس از مدتی از طرف دولت مورس اطلاع دادند که دولت ایران علاقه به خرید این ملک دارد.

ثابت مجدداً پیشنهاد تقدیم ملک مزبور را نمود و مطالب فوق به شرف عرض ملوکانه رسید. فرمودند که آنچه ثابت پرداخته به او مسترد گردد و ملک خریداری شود. با ثابت مجدداً صحبت شد و اظهار داشت که هزار دلار جمعاً به فروشندگان به موجب قراردادها پرداخته شده و صورت سایر مخارج آن بعداً تقدیم خواهد شد؛ فقط مبلغی که باید به صاحبان ملک پرداخته شود با مخارج ثبت و وکیل شاید در حدود ۲۵ هزار دلار باشد. ثابت اظهار می‌دارد که معامله باید به نحوی انجام شود که خرید او فسخ نشود زیرا فروشندگان مبادا پی به اهمیت موضوع برده و مبالغ بیشتری مطالبه کنند. بنابراین هر چه زودتر با حبیب ثابت یا آقای انورناتان که یکی از مدیران ایشان هستند در شرکت ثابت پاسال تماس گرفته شود و اقداماتی به عمل آید که از قرارداد اولیه که املاک را به قیمت بسیار بسیار نازلی خریداری کرده استفاده گردد. ثابت برای هرگونه همکاری و مساعدت در انجام معامله، آقای انورناتان را در غیاب خودش در اختیار شما می‌گذارد.

[۳۶۸۳/۲]

۱۳۸

بیست و ششم جولای ۱۹۷۲

اینجانب، حبیب ثابت بنا بر رونوشت‌های تصویری اسناد اولیه فروش، از تمام حقوق خود نسبت به زمینها و ساختمانهای وال اوری، پرت لوئیس و مارینیوس به نفع وزارت امور خارجه ایران که نمایندگی دولت شاهنشاهی را عهده‌دار است چشم‌پوشی می‌نمایم.

علاوه بر آن، بنا بر اسناد فروش ضمیمه، وجهی به مبلغ ۵۷۱۰ روپیه مارینیوس که به

فروشنندگان پیش پرداخت شده می بایست توسط دولت پادشاهی ایران مسترد شود.
تصریح می کنم که در این راستا هیچ ادعایی ندارم.

حبیب ثابت

۴۷ - ۳۲۲۱ - ۴۵۱۳ - ش |

۱۳۹

حبیب ثابت

تاریخ ۵۱/۵/۴

وزارت امور خارجه

موضوع: قصر والروی | وال اری | در جزیره موریس

در تاریخ ۵۱/۵/۲ نماینده آن وزارتخانه به اینجانب مراجعه و طرح نامه را به ضمیمه چکی به مبلغ ۷۸۳۰۸ ریال به اینجانب تسلیم نمود که اقرار نامه را برای تنفیذ خرید قصر والری مورد استفاده قرار دهند. در این خصوص لازم دانست که مطالب زیر را به استحضار برساند:

چندی قبل در تاریخ اوت ۱۹۷۰ به اینجانب اطلاع رسید مالک قصر والروی که قصر سکونت موقت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در جزیره موریس بوده است به علت هزینه سنگین نگاهداری و عدم توانائی مالک آن از نظر تعمیرات و نگهداری به خصوص استفاده نکردن از قصر تصمیم به فروش آن با قیمت مناسبی دارد.

با اطلاع از این جریان بلافاصله قصر مزبور را از نزدیک معاینه و معلوم شد که متاسفانه قسمت مهمی از اراضی قصر را به Mon Desert Alma Limited , Port Louis شرکت قند و نیشکر برای زراعت فروخته اند و شرکت مزبور در نظر داشته که اراضی مزبور را تقسیم و به قطعات بسیار کوچک به کارگران خود بفروش برسانند علیهذا با مالک قصر و اراضی تماس گرفته شد و خوشبختانه موفق گردیدم طی قراردادی که سواد آن به ضمیمه فرستاده می شود قرار خرید اراضی فوق الذکر را هم با شرکت قند و نیشکر و خود قصر و اراضی اطراف آن را به صاحب قصر داده و برای تنفیذ قراردادها بیعانه پرداخت شد.

منظور اصلی از این اقدام این بود که باعلاقه و احترام خاصی که به ناجی بزرگ ایران رضاشاه کبیر داشتم به سهم خود خدمت کوچکی در بزرگداشت این شخصیت بزرگ

تاریخی انجام داده باشم و مانع از دست رفتن این نقطه تاریخی و اراضی اطراف آن گردم و تصمیم داشتم محل را به صورت اولیه درآورده و به پیشگاه مبارک شاهانه تقدیم کنم. اینک که بر حسب امر مطاع ملوکانه مقرر است که وزارت امور خارجه این اقدام را انجام دهد سواد قرارداد ۱۸ ماه اوت ۱۹۷۰ را تقدیم و چک مرحمت شده را نیز اعاده نموده و خواهشمند است آن را پذیرفته تا وسیله خوشحالی اینجانب که این امر به صورت مطلوب به نتیجه نهائی می‌رسد بشود. بدیهی است هرگونه اقدامی جهت انجام معامله قطعی لازم باشد در اختیار بوده و انجام خواهم داد. ضمناً برای انجام معامله علاوه بر مواد قرارداد شرحی به مراجع مربوطه نوشته شده که به پیوست ارسال می‌شود.

در پایان لازم است این نکته را به استحضار برساند که چنانچه وزارت خارجه از همین قرارداد استفاده نکنند این احتمال در بین است که مالکین قیمت ساختمان و اراضی را به چندین برابر بالا ببرند. چون واقعاً ارزش حقیقی آن خیلی بیش از این مبلغ قرارداد است.

باتقدیم احترام

حبیب ثابت

[۳-۲/۲۶۸۲]

۱۴۰

وزارت امور خارجه

اداره حقوقی

شماره ۳۶۶۹/۱۸

۱۳۵۱/۵/۱۵

نایب‌التولیه بنیاد پهلوی، جناب آقای جعفر شریف‌امامی

عطف به مرقومه شماره ۲۶۸۵/د مورخ ۵۱/۲/۲ درباره خرید قصر Val Orj

اوال اری | محل اقامت اعلیحضرت رضاشاه کبیر در جزیره موریس اشعار می‌دارد:

به طوری که استحضار دارند حسب‌الامر مطاع شاهنشاه آریامهر مقرر شد معادل

مبلغی که آقای حبیب ثابت به صاحبان قصر وال اوری به عنوان پیش قسط پرداخته بود به

ایشان مسترد و ساختمان و اراضی مربوطه برای دولت شاهنشاهی خریداری شود. در

امثال اوامر ملوکانه جناب آقای مشایخ فریدنی سفیر شاهنشاه آریامهر در پاکستان پس از

مذاکره با سفیر موریس در اسلام آباد طی تلگراف مورخ ۱۵/۴/۵۱ اعلام داشتند که مبلغ پرداختی آقای ثابت به صاحبان قصر ۵۵۴۰ روپیه موریس بوده و لازم است ضمن استرداد این مبلغ به ایشان اقرارنامه‌ای مبنی بر اعلام وصول وجه مذکور و اسقاط کلیه حقوق مشارالیه نسبت به ملک مزبور از آقای ثابت اخذ و در موقع امضای اسناد معامله در محضر رسمی ارائه شود.

مراتب به جناب آقای نخست‌وزیر اعلام گردید و متعاقباً مبلغ ۷۸۳۰۸ ریال معادل ۵۵۴۰ روپیه موریس بابت استرداد پیش قسط پرداختی آقای ثابت از طرف نخست‌وزیری به وزارت امور خارجه واصل و چکی معادل مبلغ مزبور همراه با متن اقرارنامه تنظیمی برای امضا به آقای ثابت تسلیم شد ولی ایشان پس از امضای اقرارنامه مورد نظر، چک ارسالی را طی نامه مورخ ۵۱/۵/۴ به وزارت امور خارجه عودت داد. فتوکی نامه مورخ ۵۱/۵/۴ آقای حبیب ثابت و رونوشت اقرارنامه تنظیمی برای ملاحظه و امان نظر به ضمیمه ایفاد می‌شود.

ارادتمند، قائم‌مقام وزیر امور خارجه

احمد میرفندرسکی

[۳۶۸۱]

www.KetabFarsi.com

اسناد عصمت الملوك دولتشاهی
و حمیدرضا پهلوی

۱۴۱

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت پهلوی

از خداوند سلامت و عمر طولانی اعلیحضرت را خواهانم. ضمناً به استحضار خاطر اعلیحضرت می‌رساند که مالکین فردیس ادعاهایی نموده‌اند که برای خاتمه دادن به آن خرید قریه مجاور موسوم به قرچک مورد لزوم می‌باشد. جهت خرید به دوست هزار تومان احتیاج فوری دارد؛ در صورتی که چنین کرامتی را مبذول نفرمایند با وضعیت فعلی فردیس از دست خواهد رفت. در انتظار مکرمت آن اعلیحضرت، امیدوار است که آن اعلیحضرت مرا از این وضعیت نجات دهند.

عصمت پهلوی

۱۱۳۹۱۹۱

۱۴۲

تهران

والاحضرت عصمت پهلوی

تلگراف شما راجع به ملک واصل گردید. اصولاً این طور استنباط می‌شود که شما مایل نیستید کوچکترین آسایشی برای بچه‌های شما موجود باشد و الا تا این اندازه تحت تأثیر القانات سایرین واقع نمی‌شدید. روی هم رفته بهتر این است بگذارید ما با بدبختیهای خود بسوزیم.

مراجعات شما از قبیل [مراجعات شما برای] خرید ملک با این وضعیت من بسیار جای تعجب و تأسف است.

[رضا پهلوی]

[۱۵-۳۲۱۷-۱۱۲ الف]

۱۴۳

۲ اردیبهشت ۱۳۲۱

والاحضرت عصمت پهلوی

همسر عزیزم را قربان می‌روم

اطلاع از مدلول دو نامه، که یکی به عنوان شخص من و دیگری برای شاهپور عبدالرضا ارسال داشته بودید، در عین اینکه چون مرده سلامت شما و بچه‌ها را متضمن

بوده اسباب نهایت مسرت گردید ولی بیشتر موجب منتهای تعجب و تأسف شد که چطور ممکن است کسی با این صراحت به قصد خود در زندگانی اعتراف نموده و با معاذیر غیرموجه کوشش نماید آن را به صورت دیگری جلوه داده و امر را مشتبه نماید. گرچه هر کس که کوچکترین شناسایی به اخلاق شما داشته باشد می‌تواند - خدای نکرده - تصور نماید که شاید از روی کمال سادگی نوشته شده و اصولاً هم معنای حقیقی زندگانی تا به حال بر شما پوشیده مانده باشد اما بدبختانه به نکاتی در این نامه اشاره شده که اگر بخواهم به تشریح و روشن کردن آنها پردازم جز انفعال نتیجه دیگری نخواهد داشت. فقط برای اینکه شما متوجه باشید که هیچ لفافه‌ای نمی‌تواند مرا از دیدن حقیقت بازدارد یکی دو مطلب را گوشزد می‌نمایم: از همه مهمتر موضوع ارتباطی است که شما بین پول و احساسات خودتان نسبت به من قائل شده و این طور وانمود کرده‌اید که تا از پول سرشار و لبریز نمی‌شود [نشوید] علاقه قبلی شما بارز و آشکار نمی‌شود. و چون هنوز از این حیث به حد اعلی نرسیده‌اید نمی‌توانید با مخابره تلگراف مرا از مزده سلامت خودتان و بچه‌ها مطلع نمایید و حتی پا را بالاتر گذاشته و گفته‌اید که نباید هم از شما چنین توقعی را داشت.

دیگر اینکه نوشته‌اید طرز رفتار من با شما در دوره زندگانی بر حسب دستور دیگران بوده است؛ فکر این مطالب به قدری بچگانه و غیرمنطقی و تحقیرآمیز است که اگر من اطمینان نداشتیم که این اظهارات و طرز فکر نتیجه القائات و تحریکات بادمجان دور قاب چینه‌ها که هیچ منظوری جز از بین بردن و خفیف کردن شما ندارند می‌باشد طوری به پاسخ حقیقی این نامه مبادرت می‌کردم که تجدید مطلع امکان نداشته باشد. اصولاً با آن همه سفارشات لازمه به طرز غریبی شما تسلیم گفته‌های نزدیکان هستید که نسبت به پیشنهادات آنها کوچکترین غور و فکر یا اظهارنظر نمی‌نمایید. مثلاً شما همین قدر که از طرف آنها گفته شده است که اگر ملک قرچک خریداری نشود، آن هم با دو میلیون ریال، فردیس هم از بین خواهد رفت شما بدون تعقل و تأمل عین این مطلب را با اصرار هرچه تمامتر به من تلگراف نموده‌اید. باید دید اگر این ارتباط صحیح باشد چند روز دیگر بعد از خریداری قرچک همین کیفیت هم برای آن پیش آمده و حفظ قرچک نیز موکول به ابتیاع ملک بزرگتری در مجاورت آن خواهد بود و این رشته به درازا خواهد کشید. همین جاست که شما دچار اشتباه شده‌اید و الا من در پرداخت وجه و تأمین آسایش فکری شما و بچه‌ها نه تنها مضایقه نداشته بلکه غیر از این فکر دیگری را تعقیب نمی‌نمایم.

از همه کار واجبتر برای شما، همانطور که به کرات گفته شده است، این است که دور نزدیکان و اطرافیان نادرست را قلم کشیده و چندی هم نصایح من را پیروی نمایند و با دقت آزمایش کنید؛ اگر رجحان این روبه را بر طریقه سابق تشخیص داده و قلباً تصدیق کردید آن وقت اعتراف خواهید کرد که من هیچ منظوری جز راحتی شما نداشته و نخواهم داشت. بالاخره گو اینکه دستوراتی سابقاً برای تعیین یک نفر مستخدم صدیق لایق داده شده بود ولی چون می‌خواهم به شما بفهمانم که پول نزد من قدر و قیمتی نداشته و اگر در طرز فکر شما بتواند تغییری ایجاد نماید ضرری ندارد با تقاضای شما امتحاناً موافقت شود شرحی به فرزند گرامی، اعلیحضرت، نوشته‌ام که قبل از همه چیز دستور بدهند یک مستخدم لایق برای شما معین نمایند که دست تقلبات را در کارهای شما کوتاه نموده و به کار زندگانی شما هم سر و صورتی بدهد و ضمناً دو میلیون را پردازند که با مطالعه و دقت و دیدن اطراف و جوانب با نظر خودتان و مستخدم جدید ملک قرچک هم خریداری شود. و البته در صورتی مأمور جدید می‌تواند به کار خود پردازد که اشخاص سابق خار راه نباشند و به همین جهت هم رفیعا از دستگاه شما خارج خواهد شد، و برای یک دفعه اقلأ از جانبداری خودداری نمایید که به زودی نتیجه آن بر شما ثابت شده و مطلع شوید که بودجه شما کافی بوده و از هر حیث هزینه شما را تأمین می‌نماید. به عقیده من بهتر است خودتان هم نسبت به وضعیت مستخدمین که عده آنها خیلی بیشتر از احتیاج می‌باشد مطالعه و جرح و تعدیل نموده اشخاصی را که وجودشان مورد استفاده نمی‌باشد خارج نمایید که از خرج بیهوده جلوگیری به عمل آید. ضمناً، به طوری که سابقاً هم به شما نوشته‌ام، باز برای اطلاع شما می‌نویسم در صورتی که من اینجا به علت نداشتن نوکر، غالب کارهای شخصی را خودم باید انجام نمایم تناسب نخواهد داشت که شما بدون جهت بیست و یک نفر نوکر که قطعاً پانزده نفر آنها جزو تشریفات محسوب می‌شوند داشته و برای تجلیل نخواهید از آنها صرف نظر نمایید. مخصوصاً برای اینکه از این حیث با من شریک باشید باید هرچه زودتر به خدمت مستخدمین زیادی خاتمه داده و زندگانی خودتان را طوری مرتب نمایید که در مقایسه با زندگانی من، اگر در فکر من هستید خیالتان ناراحت نشود.

باری، آنچه که تا به حال نوشته و گفته‌ام از راه دلسوزی و تأسف به طرز زندگانی شما بوده و حقیقتاً تا موقعی که به وضع جدید خاتمه داده نشود فکر من از این حیث راحت نخواهد بود. اصرار و لحن شدید گفته‌ها بزرگترین دلیل بر علاقه و توجه من به اوضاع

داخلی شما و بچه‌ها بوده و تأثرات قلبی مرا ظاهر و آشکار می‌سازد و به همین جهت شما باید از آنها استفاده نموده و هرچه زودتر صفحه جدیدی در زندگانی خود باز نموده و مرا مطلع سازید که به کلی از نگرانی خارج شوم.

در خاتمه سلامت و سعادت شما را از خداوند مسئلت داشته و بچه‌ها را در آغوش محبت می‌فشارم و به انتظار پاسخ فوری این نامه حاکی از تغییر زندگانی خودتان، شما را به خدا می‌سپارم.

[۳-۳۲۱۷-۱۱۲ الف]

۱۴۴

والاحضرت عصمت پهلوی

همسر عزیزم را قربان می‌روم

امیدوارم که همواره شما سلامت بوده و با روح پر از نشاط زندگانی با سعادت می‌را که تربیت فرزندان باشد تعقیب نمایید. اصولاً تنها چیزی که محرک اصلی من در فرستادن شما به تهران بود توجه و علاقه خاص به آموزش و پرورش بچه‌ها بود و تقریباً نه تنها فکر می‌کردم بلکه اطمینان داشتم که شما هم در این نظر با من شریک بوده و با عشق کاملی پس از رسیدن به تهران آن را اجرا خواهید نمود. اما متأسفانه به کلی برخلاف آنچه که تصور می‌رفت بعد از ورود به آنجا طوری شما تحت تأثیر محیط واقع شدید که تمام نصایح و گفته‌های من را فراموش کرده یا اگر بخواهم درست بگویم عمداً آنها را در طاق نسیان گذاردید تا برای اجرای مقاصد و تعقیب نظریات آنها هیچ گونه مانعی وجود نداشته باشد. و حقیقت نفس‌الامر این است آنچه که من شخصاً از قرائن و طرز فکر شما می‌فهمم تنها چیزی که طرف نظر و علاقه شما می‌باشد زندگانی خودتان است که با اصرار تمام کوشش می‌نمایید از آنچه که من فکر می‌کنم زندگانی شما روز به روز تاریکتر و مبهم‌تر گردد و الا چه دلیلی دارد که فکر شما همیشه متوجه یک نقطه آن هم افراط در مخارج بوده اولاً بدون جهت به مصارف غیرلازم رسانده و ثانیاً با داد از بی‌پولی گوش فلک را کر نمایید. حرف در این است که گمان می‌کنم چون نمی‌توانید محل خرج را برای من بنویسید یا را از جاده حقیقت بیرون گذارده مطالب را طور دیگری جلوه می‌دهید. از جمله راجع به نهصد و پنجاه هزار ریال که تصور می‌رفت بنا به گفته خود شما به قرض داده شده و حتی چون ابوالفتح واسطه بوده مدیون از پرداخت دین خودداری کرده باشد. حال معلوم می‌شود که موضوع غیر از این بوده و این عناوین مجعول برای از بین

بردن و به مصرف بیهوده رساندن آن بوده است. حتی به آن هم اکتفا نکرده زینت آلات خودتان را گروگذارده و، به علت عدم کفایت، سیصد هزار ریال هم مقروض شده‌اید. باید دانست که ادامه این رویه امکان‌پذیر می‌باشد یا خیر؟ به عقیده من همان طور که مکرر گفته‌ام، پایه‌ای را که شما برای بنای زندگانی خودتان و بچه‌ها تهیه کرده‌اید به قدری سست و نادرست است که با این نحو نمی‌تواند پابرجا و استوار باشد. توصیه و سفارش هم گمان نمی‌کنم بیشتر از آنچه شده و می‌شود ممکن و مؤثر باشد و، روی هم رفته، نتیجه‌ای که از این تأکیدات تا به حال حاصل شده این بوده است که شما از فرستادن اخبار سلامت بچه‌ها خودداری کرده و اگر هم تلگرافی مخابره نموده‌اید در شکایت از زندگانی و بی‌پولی و تقاضای وجه بوده است. همین جریانات است که بیش از پیش من را متأسف کرده و استنباط می‌کنم به کلی آنچه که درباره شما فکر می‌کردم اشتباه بوده و به خطا رفته بودم و بی‌تردید هر کس به جای شما بود در این موقع که زندگانی من با ناراحتی دائم توأم است و شما هم بهتر از همه آگاه هستید نه تنها موجبات تشویش و تزلزل خاطر من را فراهم نمی‌ساخت بلکه با رفتار عاقلانه ولو به هر نحو که ممکن بود از افراط و تفریط خود کاسته اقلأً بر فشار روحی من نمی‌افزود.

بدبختانه توجه به همین نکته است که مؤید تصورات من نسبت به شما بوده به خوبی بر من ثابت می‌نماید که شما به آسایش من و بچه‌ها اهمیتی نداده و مفهومی برای زندگانی جز گذراندن وقت و مصرف کردن وجه قائل نیستید. از ظاهر امر این طور فهمیده می‌شود که حتی خرید ملک هم بهانه دیگری برای اخذ وجه بوده و قصد داشتید دو میلیون ریالی را نیز که برای خریدن ملک حواله شده است گرفته و به همین قبیل مصارف برسانید.

به هر حال، چون تصور می‌کنم مراجعت احمد و محمود صفحه جدیدی در زندگانی شما از حیث راحتی خیال باز نماید امیدوارم در طرز تغییر فکر شما هم بی‌تأثیر نبوده با توجه به آسایش و تعلیم و تربیت آنها بیشتر به دقائق زندگانی آگاه شده و از تعقیب نظریات دیگران صرف‌نظر نمایید. فکر من هم به آسایش شما و بچه‌ها محدود و مقصور بوده آرزوی دیگری جز راحتی تمام افراد فامیل ندارم. در خصوص وجهی را که قرض کرده‌اید به فرزند عزیزم، شاه، نوشته‌ام که دستور پرداخت آن را صادر نمایند و راجع به کسری مخارج ماهانه نیز حال که صفاری مأمور کارهای شما شده و من شخصاً به طرز کار او آشنا بوده و به او اطمینان دارم به شاه توصیه کرده‌ام که اگر کسری تصدیق شود بپردازد. در این صورت، هیچ‌گونه جای نگرانی برای شما باقی نمانده و می‌توانید با

قوت قلب اوقات خود را به مراقبت احوال بچه‌ها که حال بیشتر نیز شما را مشغول می‌نمایند مصروف سازید.

در خاتمه سعادت و سلامت شما و بچه‌ها را همواره از خداوند خواستار بوده و امیدوارم روزی جنگ با تمام رسیده و سائل تجدید دیدار فراهم گردد. فاطمه و حمید را در آغوش محبت فشرده هزار بار می‌بوسم.

[در حاشیه] طبق زمانبندی که از شاه رسید [خواننده نشد] تعجب می‌کنم چطور رفتار شما بچه‌گانه می‌باشد.

[رضا پهلوی]

[۳۲ - ۳۲۱۷ - ۱۱۲ الف]

۱۴۵

۲۷ سپتامبر، فرانسه

پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه پهلوی جانم فداه

مدتها بود که از نرسیدن تلگراف و بشارت سلامت وجود مقدست نزدیک به هلاکت بودم. حقیقتاً در کار دیوانه شدن بودم تا اینکه تلگراف شاهپور عبدالرضا رسید. از زیارت آن گویا روح به بدنم دمیده. چیزی که به فریاد کمینه می‌رسد همان آمدن تلگراف و خبر سلامتی وجود مبارک است. تصدقت شوم، هیچ نمی‌توانم آنچه در این مدت محرومی از خاک‌پای مبارک به کمینه گذشته است عرضه بدارم. یقین تصور خواهند فرمود از آمدن به ایران آسایش خواهم داشت؛ الهی نصیب هیچ کس نشود این روزگاری را که من دارم. پرواضح است هر نقطه و مکانی را با وجود مبارک بر کمینه خوش و گوارا می‌باشد. بدون وجود مبارک، ایران و دنیا را می‌خواهم چه کنم؟! و از درگاه الهی هر ساعت مسئلت می‌کنم که خدایا، خرم آن لحظه که چون گل به چمن بازآید، آیا می‌شود من آن روز را بار دیگر ببینم و از این غصه و غم آسوده بشوم؟

اگر بدانید امسال چه شمیرانی به کمینه گذشت. نظرم به هر طرف می‌افتاد آتش می‌گرفتم. حال هم که به شهر آمدم صد مراتب بدتر. استدعا دارم که زودتر کمینه را احضار فرمایید. واضح عرض می‌کنم که اگر مرا نخواهید بیایم، خونم گردن شما است. هیچ از مردنم باقی نمانده. چه کنم خودم دسترس ندارم؛ راهی نیست که بتوانم بیایم. بسته به مرحمت همایونی که عاجی فرمایند. و اطمینان هم ندارم عریضه‌ام کی به